

حقوق بین الملل و الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی بررسی موردی قراردادهای بین المللی نفت و گاز

غزاله کبیرآبادی¹، احمد محمدی²، رضا سلطانی³

چکیده

از ضرورت‌های دوره نوین حیات اجتماعی، ارتباطات گسترده و به هم تنیده میان دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی است. هر دولتی با اتکا به مزیت‌های مطلق و نسبی‌اش، سیاست‌ها و برنامه‌های پیشرفت خود را تنظیم می‌کند. در دنیای امروز هیچ فعالیتی بدون صرف انرژی انجام نمی‌شود. کشور ما نیز برخوردار از منابع سرشار نفت و گاز است که از نظر دراختیارداشتن این منابع حیاتی، در مجموع رتبه اول را در دنیا دارد. از سوی دیگر موتور پیشرفت اتکالی زیادی به تجارت بین‌المللی این دو محصول استراتژیک دارد؛ از این رو پیش‌بینی تحولاتی که ممکن است در زمینه قراردادهای نفتی و گازی با منافع ملی ما گره خورده باشند، ضروری و مهم است. از سوی دیگر، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به لحاظ رشد و پیشرفت باید دارای بخش‌های متوازن باشد. این مقاله با رویکرد کلان، به بررسی ارتباط حقوق بین‌الملل و الگوی اسلامی ایران پیشرفت پرداخته است و راهکارهایی را برای بهینه‌سازی حل تعارض‌های حوزه اقتصاد انرژی در پرتو الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و داوری به عنوان مهم‌ترین شاخصه حقوق بین‌الملل، ارائه کرده است. به نظر می‌رسد این مهم، با توجه به مسائل نوینی همچون تعیین و تبیین موافقت‌نامه‌های داوری، اصلاح قانون اساسی و اهتمام در ایجاد نهاد و آیین مستقل داوری در حوزه صنعت نفت، قابل تحقق است.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، قراردادهای نفتی، حل و فصل اختلافات، داوری.

1. دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد نجف‌آباد دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران / ghazaleh.kabirabadi@gmail.com

2. استادیار گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول) / ahmadmohamadi598@gmail.com

3. استادیار گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران / reza.soltani156@gmail.com

1. مقدمه و بیان مسئله

یکی از اساسی‌ترین ابعاد پیشرفت در جامعه ایدئال براساس رویکرد اسلامی ایرانی، توسعه و پیشرفت قضایی در حل مسائل روز و بین‌المللی که مهم‌ترین شاخصه برپایی عدالت است. با استفاده از الگوی مدون اسلامی توسعه و پیشرفت در نظام قضایی، می‌توان در راستای پیشرفت جامعه در سطح داخلی و بین‌المللی گام برداشت. زمانی که در برپایی عدالت در جامعه شبهه‌ای وجود نداشته باشد، طرفینی که با آن جامعه در تعامل و ارتباط هستند، به دنبال ارتباط و تعامل بیشتر در تمام حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و تجاری بوده و حتی به‌عنوان نمونه کاملاً متوازن یک مدل پیشرفت در پرتو اسلامی، از آن الگو می‌گیرند که این گام مثبتی در عرصه بین‌المللی نیز هست.

امروزه تمام جوامع مجبور به برقراری ارتباط با یکدیگر به‌منظور رفع نیازهای خود هستند که در پاره‌ای از موارد، این امر منجر به بروز اختلاف خواهد شد. یکی از عرصه‌های فعالیت که نقش مؤثری در توسعه و پیشرفت جامعه به لحاظ اقتصادی، تجاری و رفاهی دارد، تجارت بین‌المللی انرژی‌های فسیلی از جمله نفت و گاز است. این منابع در تمام کشورها به میزان مساوی وجود ندارد و تنها برخی کشورها دارای این منابع هستند ولی دانش فنی استفاده از آن را ندارند، و برای پیشرفت جامعه و بهره‌گیری از این منابع نیازمند دانشی هستند که در دست کشور دیگری است؛ از این رو جوامع دارای این منابع و جوامع دارای دانش بهره‌وری از این منابع، ناگزیر به تعامل و ارتباط با یکدیگر هستند.

برای دستیابی به پیشرفت باید شاخصه‌های مثبت توسعه را شناخت و آن‌ها را برای تحقق اهداف به کار برد. یکی از شاخصه‌های کشورهای توسعه‌یافته، ریسک‌پذیری بالاست. داشتن قدرت ریسک‌پذیری و جسارت در نوآوری، از نکات مهم در دستیابی به توسعه و پیشرفت است. ریسک‌پذیری امری است که در کشورهای توسعه‌یافته به‌شدت مورد توجه بوده و در رشد و توسعه این کشورها نقش اساسی ایفا می‌کند. اقتصاد انرژی معاصر، دانش‌بنیان بوده و به‌شدت وابسته به نوآوری است و یکی از موتورهای توسعه تلقی می‌شود. اگر ریسک احتمالی به نتیجه‌نرسیدن الگوها و برنامه‌های جدید را نپذیریم، بی‌شک از منافع احتمالی الگوهای جدید بهره‌مند نخواهیم شد. در جامعه‌ای که ریسک‌پذیری وجود نداشته باشد، تغییر ساختارها و رویه‌ها با مشکل مواجه می‌شود و

در عمل امکان حرکت به سمت اهداف وجود ندارد.

الگوی توسعه در هر کشور و نظام، منطبق با اصول و ارزش‌های اساسی آن کشور است. بدیهی است الگوهای توسعه در حوزه اقتصاد انرژی به دنبال ایجاد دانش و نوآوری در این حوزه است. در راستای رسیدن به خودکفایی در حوزه فنون لازم در حوزه اقتصاد انرژی به‌ویژه نفت و گاز نمی‌توان از لزوم همکاری با کشورهای دارای این علوم صرف‌نظر کرد. به‌منظور رسیدن به توسعه اقتصادی اسلامی مطلوب لازم است با کشورهای غربی وارد معامله انرژی شد و برای عدول از خروج از حوزه اقتصاد اسلامی راهکارهایی در زمینه حل اختلاف‌های احتمالی در مبادلات پیش‌بینی کرد که تأمین‌کننده مقصود سند چشم‌انداز در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باشد؛ از این رو پذیرفتن شیوه‌های نوین حل و فصل اختلاف‌ها در حوزه انرژی در چهارچوب پیش‌بینی شده در سند چشم‌انداز که موافق با اهداف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باشد، تضمین‌کننده اقتصاد توسعه‌محور و جلب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور خواهد شد.

با توجه به چشم‌انداز الگوی اسلامی به‌منظور پیشرفت قضایی و با توجه به مقررات بین‌المللی، باید به نهاد داوری توجه داشت. در دعاوی نفت و گاز، شرط ارجاع دعوا به داوری در صورت بروز اختلاف همیشه اندیشیده می‌شود که البته از دیرباز این نهاد در اسلام نیز دارای عقبه بوده است. از آنجاکه این منابع در زمره انفال بوده و متعلق به جامعه هستند، در ارجاع آن‌ها به داوری به‌منظور حفظ حقوق جامعه با محدودیت‌هایی مواجه هستیم، زیرا اقتضای تبادل منابع در جهت رفع نیازهای جامعه، ارتباط با جوامع بین‌المللی است و از سویی چون نهاد داوری را نهاد خصوصی حل اختلاف قضایی می‌دانند، به‌منظور حفظ عدالت و جلوگیری از در معرض خطر قرارگرفتن منابع ملی آن جامعه، ارجاع این نوع دعاوی به داوری از سوی کشورهای دارای منابع، به‌سختی امکان‌پذیر است اما در نهایت به‌منظور تبادل دانش و دست‌یافتن به فناوری بهره‌وری از این منابع، کشورها ناگزیر از انعقاد قرارداد داوری هستند.

2. اهداف پژوهش

در این تحقیق تلاش بر آن است تا با بررسی جوانب موضوع شیوه حل اختلاف داوری، نخست بیان شود که چه موضوعاتی در این حوزه قابل ارجاع به داوری است؛ دوم اینکه رویکرد نظام حقوقی

ایران در داوری‌پذیری دعاوی و محدودیت‌های آن ارائه شود؛ سوم اینکه راهکارهایی برای بهینه‌سازی این رویکرد و بهره‌برداری از فرصت‌های فرارو (به‌ویژه در صنعت سرمایه‌گذاری خارجی) و فرصت‌های مبتنی بر به‌کارگیری الگوی اسلامی ایرانی بیان شود که این فرصت‌ها عبارتند از: ایجاد بخش خصوصی فعال در حوزه سیاست اقتصاد انرژی، بالارفتن توان صادرات نفتی کشور و سیطره بر بازارهای انرژی منطقه‌ای، استفاده از نیروی متخصص و مجرب در رفع منازعه‌های احتمالی در حوزه نفت و افزایش تقاضای جهانی انرژی.

3. پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی پژوهش این است که با توجه به برخوردهای سیستم‌های قضایی مختلف با مسئله داوری، توسعه قضایی در پرتو الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چگونه امکان‌پذیر است؟ و محدودیت‌های حاکم بر داوری در ایران در پرتو الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت کدامند؟

4. پیشینه پژوهش

واکاوی علل عدم موفقیت برنامه‌های توسعه پیش و پس از انقلاب، و دلایل دست‌نیافتن به توسعه اقتصادی به‌رغم صرف منابع هنگفت نفتی، از مسائل مهم در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت خواهد بود (سرخه‌دهی، 1396: 2). در طول تاریخ سیاسی ایران، همواره سه عامل آب، نفت و دین نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری تعارض‌ها، مبانی قدرت و به‌طورکلی امنیت ملی کشور داشته‌اند. تا اواسط دوره قاجار، آب نقش اساسی در تبیین مبانی قدرت داشته است. مقوله دین نیز در کنار آب، از نقش بااهمیتی در تحکیم مبانی قدرت در ایران برخوردار بوده است؛ چه در زمانی که ایران زیر سلطه دین زرتشتی قرار داشت و پادشاهان ساسانی مشروعیت خود را از موبدان و مغانها کسب می‌کردند، و چه پس از گسترش اسلام در جغرافیای ایران. از اواسط دوره قاجار و با کشف نفت در ایران، این مهم نیز به‌عنوان عامل سوم در ساختار حکومتی ایران نمایان شد؛ عاملی که نقش جدی و مهم‌تری نسبت به دو عامل دیگر پیدا کرد و از آن زمان تاکنون شاهد تأثیرات گسترده آن بر ابعاد اقتصادی و سیاسی کشور هستیم (مبصر، 1381: 123).

تاریخ داوری بین‌المللی، با حقوق قراردادهای نفت و گاز و تحولات آن درهم‌تنیده و همراه شده است. مطالعه این تحولات و آرای داوری‌های نفتی به‌روشنی نمایانگر انعکاس معادله‌های سیاسی و

اقتصادی داخلی و بین‌المللی و رابطه قدرت با ساختارهای حقوقی و قراردادی پذیرفته شده هر کشور در عرصه نفت و گاز آن است؛ به طوری که با متحول شدن این معادلات، ساختارهای قراردادی فیما بین کشورهای نفت خیز در حال توسعه و شرکت‌های بین‌المللی نیز دچار تحول شده است که حاصل آن زوال رژیم امتیاز و ظهور ساختارهای قراردادی گوناگون بوده است.

تاریخ داوری بین‌المللی، از نیمه دوم قرن بیستم با حقوق قراردادهای نفت و گاز در هم آمیخته است؛ به طوری که شاخص‌گذاری آرای صادره از مراجع داوری بین‌المللی با آرای مهم صادر شده در زمینه این قراردادها، صورت می‌گیرد که از جمله می‌توان به رأی صادره در پرونده‌های عربستان سعودی علیه آرانکو¹، بی‌پی²، لیامکو³ و تاپکو⁴ علیه دولت لیبی، آجیب علیه جمهوری کنگو⁵، سافایر⁶، شرکت فرانسوی الف علیه شرکت ملی نفت ایران⁷ و برخی دعاوی ایران و آمریکا به‌ویژه در دعاوی آمکو⁸ و فیلیس⁹ اشاره کرد. در این آراء، از یک سو، حقوق دولت‌ها در کنترل و سامان‌دهی بهره‌برداری از منابع طبیعی، سلب مالکیت و در نهایت پایان دادن به قرارداد به هنگام اقتضای منافع عمومی به رسمیت شناخته شده است و از سوی دیگر، لزوم جبران خسارات در صورت اعمال حقوق حاکمیتی از جانب دولت‌ها برای شرکت‌های طرف قرارداد، محترم شمرده شده است (آریان‌کیا، 1388: 198).

در رابطه با موضوع پژوهش که داوری‌پذیری دعاوی در حقوق ایران است، با بررسی‌هایی که صورت گرفته است مشخص شد کتاب یا پایان‌نامه‌ای مستقل در این زمینه تدوین نشده است. قسمت‌هایی از موضوع تحقیق به صورت پراکنده در ضمن کتب حقوقی و مقاله‌ها مورد بحث قرار گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

یکی از کتب مطرح در این زمینه، کتاب «حقوق نفت و گاز» دکتر شیروی (1393) است که درباره انواع حل و فصل و از جمله داوری در نفت توضیح داده است، ولی با وجود حجم زیاد کتاب،

1. 27 International Law Reports, 1963, p. 117.
2. Journal du Droit International, 1977, p. 350.
3. Rev. Arb. VI, 1981, p. 89.
4. Yearbook Int. Arb. IV, 1979, p. 177.
5. Rev. Crit. D. I. P, 1982, p. 105; Yearbook Int. Arb. VIII, 1983, p. 133.
6. 35 International Law Reports, 1967, p. 136.
7. Yearbook Int. Arb. XL, 1986, p. 97.
8. 1 Iran-US CTR, p. 493.
9. 1 Iran-US CTR, p. 487.

تنها چند صفحه محدود به داوری اختصاص یافته است و در آن به داوری، دلایل توسعه داوری، قرارداد و شرط داوری، شرط داوری و محدودیت‌های آن و اصل 139 قانون اساسی، شرط داوری و موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی، و شرط داوری در قراردادهای پس از انقلاب اسلامی پرداخته است که البته بیشتر توضیحات در خصوص اصل 139 و محدودیت‌های آن است (شیروی، 1393).

اثر بعدی کتاب «بررسی اصول و قواعد حقوقی حاکم بر قراردادهای نفتی ایران» نوشته عبدالواحد قادری و علی محمدی (1394) است. در ابتدای کتاب درباره شرایط کلی و شکلی قراردادهای نفتی سخن آمده است، سپس به دنبال بیان اصول کلی حاکم بر آن‌ها در کنار اصل حاکمیت، ماهیت عقود نفتی و فسخ آن‌ها، از روش‌های حل و فصل دعاوی صحبت شده است. در ابتدا ترتیبات قراردادی شامل روش‌های جایگزین و سپس روش‌های حقوقی بیان شده و در میان روش‌های حقوقی به دادگاه و داوری اشاره شده است. نویسندگان کتاب، در پی بیان داوری در دعاوی نفتی و ماهیت آن، دلایل برتری این روش و رویه‌های داوری در ایران را تشریح کرده‌اند و به ضوابط حاکم بر مسئله غرامت در داوری‌ها پرداخته‌اند. تنها مسئله‌ای که در این کتاب در زمینه داوری نفتی به چالش کشیده شده است، اصل 139 قانون اساسی است و درباره دیگر محدودیت‌های قانونی یا سایر مسائل مربوط به شرکت‌های بین‌المللی نفتی، مسئله‌ای عنوان نشده است. حتی با وجود اهمیت بررسی نمونه قراردادهای ایران مانند قراردادهای خدمت و مشارکت یا حتی امتیازی، تنها به بیان تاریخچه‌ای از آن‌ها اشاره شده و مسئله داوری در این نوع قراردادها و چالش‌های آن نادیده گرفته شده است (قادری و محمدی، 1394) و درباره سایر محدودیت‌های قوانین ایران در زمینه داوری و راهکارهای بهینه‌سازی آن هیچ موضوعی بیان نشده است.

یکی از پایان‌نامه‌های موجود در این زمینه «شیوه‌های حقوقی حل و فصل اختلافات بین دولت‌ها و شرکت‌های خارجی در استخراج نفت» نوشته سعید ریسی (1392) است. در این پژوهش، این نکته بررسی شده است که کشورهای دارای منابع نفتی، به علت نداشتن دانش علمی و فنی برای بهره‌برداری از منابع خود در طول تاریخ، با شرکت‌های متخصص در این زمینه قراردادهایی را منعقد کرده‌اند که ابتدایی‌ترین آن «قراردادهای حق‌الامتیازی» است که براساس آن، شرکت عامل، مالک منابع و تولید می‌شود. از دیگر قراردادهای نفتی، «قراردادهای مشارکت» است که در آن‌ها

شرکت عامل تنها بر بخشی از منابع و تولید، مالکیت دارد. نوع تحول‌یافته‌تر، «قراردادهای خدماتی» است که شرکت عامل در آن به‌عنوان یک پیمانکار عمل می‌کند و دستمزد خود را دریافت می‌دارد. در قراردادهای خدماتی بیع متقابل، دستمزد حاصل از فروش نفت، پس از تولید پرداخت می‌شود. قراردادهای بیع متقابل در کشورهایی که قوانین داخلی آن‌ها هرگونه مالکیت بخش خصوصی یا خارجی را بر صنعت نفت منتفی می‌داند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. مطالعه آرای داورهای نفتی و تحولات آن‌ها به‌روشنی نمایانگر انعکاس معادله‌های سیاسی و اقتصادی داخلی و بین‌المللی و رابطه قدرت با ساختارهای حقوقی و قراردادی پذیرفته‌شده هر کشور در عرصه صنعت نفت آن است؛ به‌طوری‌که با متحول‌شدن این معادله‌ها، ساختارهای قراردادی بین کشورهای نفت‌خیز در حال توسعه و شرکت‌های بین‌المللی نیز دچار تحول شده است. این تحولات موجب دگرگونی شروط داوری و گذر از رویه‌های متشتت داوری‌های موردی به مقررات هم‌شکل و داوری‌های نهادی شده است.

با اینکه این تحقیق نیز به داوری به‌عنوان یکی از روش‌های حل اختلاف اشاره کرده است، ولی بیان موضوع در راستای سایر روش‌ها بوده و نه تنها به مزایای آن نسبت به سایر روش‌ها اشاره‌ای نشده است، بلکه درباره راه‌های برون‌رفت از قوانین دست‌وپاگیر ایران در این زمینه نیز چاره‌اندیشی نشده است (ریسی، 1392). وجود نهاد داوری مستقل برای حل اختلاف‌های قراردادی صنعت نفت، به تسهیل فرایند حل اختلاف، افزایش سرعت و دقت این فرایند و کاهش هزینه‌های ناشی از حل اختلاف‌ها کمک می‌کند؛ امری که در این پایان‌نامه در میان پرسش‌ها مطرح شده ولی در ادامه مغفول مانده است. همچنین با وجود بیان راهکارهای تقویت نهاد داوری در قراردادهای نفتی در مقدمه، در ادامه بدان پرداخته نشده است.

از جمله مقاله‌های مرتبط با موضوع پژوهش حاضر، «مقایسه جایگاه دادگاه و داوری در حل اختلاف تجاری بین‌المللی» نوشته مصطفی سروی مقدم (1389) است. از منظر این اثر، دو مرجع مهم حل اختلاف، دادگاه و داوری هستند که در پاسخ به صلاحیت اصلی و فرعی هر کدام، سه نظریه مطرح شده است: صلاحیت انحصاری دادگاه، صلاحیت انحصاری داوری در شرایط خاص، و صلاحیت نسبی دادگاه و داوری که امروزه اصولاً نظر سوم طرفداران بیشتری دارد. تحقیق حاضر برای مشخص کردن اینکه انتخاب کدام یک از دو روش، نفع طرفین قرارداد بین‌المللی را بیشتر در بر

دارد، تکلیف موضوع را بر عهده گرفته و با رعایت اختصار یافته‌های مطالعه را همراه پیشنهادهایی تقدیم می‌دارد. سپس در ادامه به بیان نقاط قوت و ضعف داوری دعاوی تجاری پرداخته و اشاره کرده است که نقاط ضعف داوری در برابر امتیازات متعدد آن در دعاوی تجاری، بسیار ناچیز است؛ هرچند امکان نقض آرای داوری در مواقع اعتراض طرف ناراضی وجود دارد و اینکه آرای داوری ایجاد سابقه نمی‌کند و تنها در پرونده‌های مربوط مؤثر است؛ از این رو معتقد است به ملاحظه اینکه وجود موافقت‌نامه دال بر ارجاع اختلاف به داوری یا دادگاه همراه قانون حاکم که به صراحت تعیین شده باشد، برای حل اختلاف مهم است، به طرفین توصیه جدی می‌شود در قراردادهای خود مرجع حل اختلافات آتی را - خواه دادگاه باشد یا داوری خاص - به صراحت تعیین کنند. همچنین باید قانون حاکم بر مسائل ماهوی و شکلی قرارداد اصلی و داوری را خودشان به صراحت تعیین کنند تا وقت دادگاه یا داوری، صرف بررسی آن نشده و موجبات اطاله رسیدگی فراهم نشود. در آخر اینکه داوری در دعاوی نفتی و تجاری در خصوص ایران گسترش یافته و تشویق شود. ایراد اصلی مقاله این است که مشخص نکرده که از چه طریقی این امکان فراهم شده و راه‌های بهینه‌سازی آن‌ها چیست (سروری مقدم، 1389).

در مجموع اگرچه برخی از این آثار به حقوق قراردادهای نفتی و داوری مربوط می‌شوند، ولی هیچ‌یک نتوانسته‌اند پیوند بین این دو، و فرصت‌ها و چالش‌های فراروی را به‌طور دقیق روشن سازند؛ حال آنکه همان‌طور که در بیان مسئله اشاره شد، از جمله مسائل مهم قراردادهای نفتی، فرصت‌های حقوقی آن‌ها به جهت گسترش نهاد داوری در حل و فصل اختلافات است که می‌تواند تأثیر بسزایی در زمینه سرمایه‌گذاری داشته باشد. موضوع دیگر چالش‌های فراروی آن است که نه تنها در مورد قرارداد نفتی بلکه درباره سایر مسائل تجاری آن نیز مطرح شده و نیازمند چاره‌جویی است که تا حد امکان در پژوهش حاضر بدان پرداخته خواهد شد.

5. تعریف مفاهیم

5-1. حقوق بین‌الملل

برای رسیدن به مفهوم حقوق بین‌الملل در پرتو سند الگوی چشم‌انداز، به دلیل اینکه در دیدگاه اسلام و نظام حقوقی، درباره ماهیت منافع ملی و مؤلفه‌های آن با توجه به شرایط، اوضاع و احوال بین‌الملل

و ضرورت‌های انقلاب اسلامی توافق وجود ندارد؛ از این رو نیازمند آن است حقوق بین‌الملل را مفهوم‌شناسی کنیم تا بتوانیم آن را منطبق با مبانی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ترسیم کنیم. حقوق بین‌الملل مجموعه قوانینی است که در رابطه بین دولت‌ها و ملت‌ها مورد پذیرش قرار می‌گیرند (Bentham, 2012: 6). حقوق بین‌الملل چهارچوبی برای انجام روابط بین‌المللی با ثبات و سازمان‌یافته است که متفاوت از نظام‌های قانونی دولتی است، زیرا در درجه اول برای کشورها و نه برای شهروندان خصوصی قابل اجراست. ممکن است در زمانی که معاهدات بین‌المللی، صلاحیت ملی را به دادگاه‌های بین‌المللی مانند دادگاه اروپایی حقوق بشر یا دادگاه بین‌المللی واگذار کند، قانون داخلی تبدیل به قانون بین‌المللی شود. پیمان‌هایی مانند کنوانسیون ژنو ممکن است به قوانین ملی احترام بگذارند تا به بخش‌های مربوطه برسند.

بسیاری از قوانین بین‌المللی مبتنی بر رضایت است؛ بدان معنی که یک عضو دولتی موظف به رعایت این قوانین بین‌المللی نیست، مگر اینکه به صراحت با پذیرش آن موافقت کند. این مسئله حاکمیت دولتی است. با وجود این، جنبه‌های دیگر حقوق بین‌الملل بر اساس رضایت نیستند، اما همچنان در مورد بازیگران دولتی و غیردولتی مانند قوانین بین‌المللی عرفی و هنجارهای قانونی (قواعد آمره) صادق است (Slomanson, 2011: 4-5).

2-5. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و عملکرد قضایی در عرصه حقوق بین‌الملل

پیشرفت زندگی و طراحی الگو برای آن از ضرورت‌های زندگی افراد جامعه امروز در عرصه داخلی و بین‌المللی است. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از جمله موضوعات مهمی است که جزء برنامه‌های فکری اندیشمندان ایرانی در دهه چهارم انقلاب اسلامی قرار گرفته است. با توجه به اینکه این الگو در چهارچوب حقوق و اخلاق اسلامی به تحلیل وضعیت موجود ایران می‌پردازد، می‌توان گفت در حوزه قضایی محصول اسلامی‌سازی علوم انسانی است که خود مقدمه لازم برای تدوین این الگوست (ایزدی‌فرد و حسین‌نژاد، 1396: 84).

برخی از الزام‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در پیشبرد عدالت اجتماعی در عرصه حقوقی و قضایی عبارت است از: (1) ترویج و تعمیم فرهنگ تلازم حقوق با مسئولیت‌ها و تکالیف؛ (2) تدوین معیارهای حقوق عادلانه تخصصی در عرصه‌های مختلف بین‌المللی؛ (3) ابطال تمامی انواع کلی و مجمل تفویض و اغماض حقوق قانونی افراد؛ (4) ایجاد اعتماد قضایی در عرصه بین‌الملل در راستای

تأمین منافع ملی در صورت بروز اختلاف‌های بین‌المللی در حوزه انرژی به‌ویژه نفت و گاز؛ (5) گسترش استفاده از روش‌های به‌روز (به‌ویژه داوری) با توجه به حفظ منافع ملی در حل اختلاف‌های بین‌المللی در حوزه انرژی.

بر این اساس چشم‌انداز پیشرفت و توسعه قضایی در عرصه بین‌الملل اقتضا می‌کند تا در مسیر حرکت به سوی روش‌های نوین حل اختلاف گام برداریم. گفتنی است روش‌های بین‌المللی که اکنون به‌منظور حل اختلاف در عرصه بین‌الملل روایح یافته‌اند، از دوره صدر اسلام بین مسلمانان رواج داشته است. به دلیل اینکه احکام دادگاه‌ها در محدوده قوانین داخلی و حل اختلاف‌های افراد در همان جامعه ضمانت اجرایی دارد، در حوزه تجارت بین‌الملل، به علت بی‌اعتمادی به برقراری دادرسی عادلانه و بی‌طرفانه، طرفین اختلاف علاقه‌ای ندارند که اختلاف‌شان توسط مرجع قضایی داخلی مورد رسیدگی قرار گیرد؛ از این رو روش غیرقضایی داوری به دلیل آنکه دارای ضمانت اجرای بین‌المللی در تمامی کشورهاست، مورد استفاده تجار در حوزه‌های بین‌الملل به‌ویژه نفت و گاز قرار می‌گیرد.

3-5. مفهوم داوری

داوری یکی از روش‌های معمول برای رفع اختلافات در صنعت نفت به‌خصوص در قراردادهای بالادستی است. با توسعه تجارت بین‌الملل و جهانی‌شدن اقتصاد، داوری به‌عنوان روشی برای حل و فصل اختلافات گسترش پیدا کرد و امروزه روشی معمول در حل و فصل اختلاف‌های تجاری و اقتصادی بین‌المللی به شمار می‌آید. کمتر موردی پیدا می‌شود که در یک قرارداد سرمایه‌گذاری، انتقال فناوری، ساخت کارخانه بزرگ، اجرای پروژه‌های سنگین و امثال آن، داوری پیش‌بینی نشده باشد.

داوری دادرسی خصوصی مورد تأیید قانون است و به موجب آن یک یا چند فرد مستقل، دعوی را استماع کرده و در مورد اختلاف تصمیم می‌گیرند. برخلاف دادگاه، ارجاع اختلاف به داوری نیازمند توافق طرفین است که ممکن است پیش یا پس از بروز اختلاف انجام گیرد (شیروی، 1394: 630).

داوری به معنای ارجاع اختلاف به شخصی بی‌طرف است که توسط اصحاب دعوا برگزیده می‌شود و طرفین پیشاپیش توافق می‌کنند از رأی که داور پس از تشکیل جلسه و استماع اظهارات طرفین صادر می‌شود، پیروی کنند. در واقع هدف از داوری، رسیدن به حل منصفانه اختلاف‌ها توسط یک هیئت بی‌طرف بدون هزینه و تأخیر است؛ به عبارتی، داوری، حل و فصل اختلاف خارج از دادگاه (دادگاه خصوصی) با تصمیم الزام‌آور فرد یا افرادی است که مورد اعتماد و قبول اطراف اختلاف هستند و مستقیم

توسط خود آن‌ها یا غیرمستقیم به کمک اشخاص معینی، منصوب می‌شوند (نیکبخت، 1390: 11).

مطابق قانون داوری تجاری ایران نیز داوری عبارت است از رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی‌الطرفین و یا انتصابی. در پژوهش حاضر، پس از مفهوم‌شناسی و تبیین حقوق بین‌الملل، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و پیشرفت قضایی به‌عنوان یکی از راهبردهای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نیز تعریف داوری، به داوری در قراردادهای نفتی در این چهارچوب پرداخته می‌شود تا مشخص شود در راستای حفظ منافع ملی در حوزه انرژی و با تکیه بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، با چه محدودیت‌هایی روبه‌رو هستیم و چه راهکارهایی را می‌توان در برخورد با محدودیت‌ها اندیشید.

6. یافته‌های پژوهش

در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش و با استناد به سند چشم‌انداز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که سند توسعه تمام جامعه در ابعاد مختلف است، باید گفت که سند چشم‌انداز در تمام ابعاد حوزه قضایی و به‌منظور ایجاد توازن و پیشرفت اقتصادی و تجاری جامعه به دنبال راهکارهای جدیدی بوده است. در داوری در حل دعاوی نفتی که در زمره کالاهای مهم در پیشرفت اقتصادی کشور است باید از شیوه‌های سنتی قضایی فاصله گرفت و حتی با کنکاش در مبانی دینی و فقهی که مبنای سند چشم‌انداز الگو نیز هست، شیوه‌های غیرقضایی را که از صدر اسلام برای حل اختلاف وجود داشته است، به کار گرفت. شیوه‌هایی که کشورهای غربی آن را مبنای حل اختلافات قرار داده‌اند، در مبانی فقهی ما وجود داشته است و ما اکنون به فضل سند الگو باید از این شیوه در راستای پیشرفت جامعه، ایجاد عدالت اجتماعی و جلب اعتماد جامعه بین‌المللی به شیوه قضایی خود در عرصه بین‌الملل، کسب وجهه کنیم.

با بررسی‌های به‌عمل‌آمده ابتدا با شناسایی محدودیت‌های موجود بر سر ارجاع دعاوی نفتی به داوری که اصل 139 قانون اساسی بزرگ‌ترین محدودیت بر سر راه این مهم است نه ممنوعیت، و با ارائه راهکارهایی در پرتو توسعه و پیشرفت نهاد قضایی داوری در لوای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به ارائه پیشنهادها و راهکارهایی در زمینه اصلاح اصل 139 قانون اساسی در قالب موارد پیش‌بینی‌شده در سند چشم‌انداز، می‌پردازیم. همچنین می‌توانیم با ایجاد موافقت‌نامه‌های داوری که

موافق حفظ منافع کشور با توجه به مبانی سند چشم‌انداز است، گسترش نهاد داوری مستقل در این حوزه و پیوستن ایران به کنوانسیون ایکسید در راستای حل اختلاف‌های ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه نفتی با بهره‌گیری از دستاوردهای داوری سازمان ایکسید، خلأهای موجود را رفع کنیم و بستر امنی را در حوزه سرمایه‌گذاری نفت و گاز فراهم آوریم. چنانچه با توجه به سند چشم‌انداز به تحول در حوزه قضایی و شیوه حل و فصل اختلافات داوری در حوزه قراردادهای نفت پردازیم، نظاره‌گر ایجاد فرصت جدید سرمایه‌گذاری و رونق اقتصادی و تجاری و اجتماعی از جمله گسترش صادرات، و استفاده از نیروهای متخصص و کارآمد در جهت ارتقای عدالت اجتماعی و پیشرفت خواهیم بود.

7. داوری پذیری در دعاوی نفتی و محدودیت‌های آن

هم‌زمان با تحولات به‌وجودآمده در ساختار قراردادهای مربوط به نفت و گاز، شروط داوری نیز در حال تکامل هستند و شروط داوری کلاسیک به سمت شروط داوری مدرن پیش می‌روند. با مطالعه قراردادهای نفتی پیشین ملاحظه می‌شود که رویه روشنی در ساختار شرط داوری آن‌ها نبوده است. در واقع رویه‌های مورد توافق در این شروط به اندازه‌ای متفاوت بوده‌اند که عملی شدن آن‌ها، مشکلات جدی و گوناگونی را ایجاد می‌کرده است. با ارجاع بسیاری از پرونده‌های نفتی به داوری، به مرور نواقص و مشکلات عملی شروط داوری نسل اول به‌ویژه در تعیین داور و قوانین و مقررات حاکم بر قرارداد و آیین دادرسی داوری آشکار شد.

نگرانی دولت‌ها و فعالان عرصه اقتصادی و تجارت بین‌الملل و شرکت‌های نفتی بین‌المللی سبب شد ضمن چاره‌جویی برای استحکام بخشیدن به سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی، برای ایجاد رویه‌های داوری واحد، تصمیم‌های کامل‌تری گرفته شود که حاصل این تلاش‌ها، تصویب کنوانسیون‌های مختلف، پیشنهاد شروط نمونه داوری، تدوین مقررات هم‌شکل و ایجاد مراجع داوری نهادی بود. نمونه این امر در مراکش است که قراردادهای اکتشاف و استخراج هیدروکربورها حاوی شرط داوری براساس مقررات اتاق بازرگانی بین‌المللی است، یا در کشور تونس که حل و فصل دعاوی قراردادهای نفتی متشکل از قرارداد اجازه اکتشاف و استخراج منعقدشده بین دولت ازیکسو و شرکت دولتی اتاپ و شرکت یا شرکت‌های خارجی ازسوی دیگر براساس مقررات اتاق بازرگانی بین‌المللی بوده و

آیین دادرسی آن برحسب مقررات داخلی تونس است (ملکی جهان، 1396: 5).

باوجوداین، تحولات حقوق داوری در صنعت نفت ایران همواره با چالشی با عنوان داوری‌پذیری این دعوی روبه‌رو بوده است. داوری‌پذیری و یا قابلیت داوری به این معناست که طرفین باید بتوانند خود، موضوع اختلاف را از طریق داوری حل و فصل کنند. براساس این قاعده، تمامی اختلاف‌ها می‌تواند به داوری ارجاع شود؛ درعین‌حال اختلاف‌های ارجاع‌شده به داوری باید مربوط به حقوقی باشد که طرفین بتوانند آزادانه آن را واگذار کنند؛ به عبارت دیگر، اختلاف، باید قابلیت داوری داشته باشد (شمس، 1384: 167) و نبود قابلیت داوری اختلاف فی‌مابین، مانع صلاحیت دیوان داوری درباره آن اختلاف خواهد بود (ایران‌شاهی، 1385: 395). عمده این موانع در دعاوی مختلف، نظم عمومی، منافع مالی و اقتصادی، صلاحیت انحصاری و غیره است. علاوه‌براین، سه حوزه کلی ممنوعیت ارجاع دعاوی به داوری عبارتند از: دعاوی مربوط به مالکیت‌های صنعتی و معنوی، معاملات سهام، ضد تراست، دعاوی کیفری¹، ورشکستگی و برخی دعاوی مربوط به حقوق خانواده.

در اغلب نظام‌های حقوقی، قانون‌گذاران برای اموری که قابل ارجاع به داوری نیستند ضابطه‌ای تعیین کرده‌اند. قانون‌گذار ایران در این زمینه حکم صریحی وضع نکرده و در قوانین ایران نظام داوری دعاوی مورد پذیرش واقع شده است²؛ هرچند همواره با محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده است. این محدودیت هم شامل اشخاص خصوصی و هم شامل اشخاص دولتی است. در ماده 456 قانون آمده: «در مورد معاملات و قراردادهای واقع بین اتباع ایرانی و خارجی، تا زمانی که اختلاف ایجاد نشده است طرف ایرانی نمی‌تواند به نحوی از انحا ملتزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آن را به داور یا داوران یا هیئت ارجاع نماید که آنان دارای همان تابعیتی باشند که طرف معامله دارد. هر معامله و قراردادی که مخالف این منع قانونی باشد، در قسمتی که مخالف دارد باطل و بلااثر خواهد بود». از موارد دیگر در این زمینه، بند 1 ماده 496 قانون است که بیان می‌دارد ورشکستگی قابلیت

1. در قانون داوری ایران گرچه منع صریحی بر عدم قابلیت ارجاع دعاوی کیفری به داوری وجود ندارد، ولی به‌طور ضمنی می‌توان از ماده 478 قانون آیین دادرسی مدنی این ممنوعیت را برداشت کرد. علاوه بر آن، موضوعات کیفری به علت ارتباط مستقیم با نظم عمومی، اساساً قابلیت ارجاع به داوری را نیز ندارد.

2. ماده 454 قانون آیین دادرسی مدنی: «تمامی اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می‌توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاه‌ها طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله‌ای از رسیدگی باشد، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند».

ارجاع به داوری را ندارد. علاوه بر این موارد، دعاوی راجع به اصل نکاح، فسخ، طلاق و نسب، برابر بند ماده مزبور، قابل ارجاع به داوری نیست.

در حوزه محدودیت‌های دولتی نیز در اصل 139 قانون اساسی به این مورد اشاره شده است: «صلح دعاوی درباره اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند». برابر قانون آیین دادرسی مدنی، یکی از استثنای قابلیت ارجاع دعاوی به داوری، دعاوی عمومی است؛ بدین شرح که نسبت به اموال عمومی و دولتی ارجاع به داوری تابع مقررات خاصی است که اولاً، در صورتی که طرف دعوا خارجی باشد، تصویب هیئت وزیران و مجلس شورای اسلامی الزامی است؛ ثانیاً، در صورتی که موضوع دعوا را قانون مهم می‌شمارد، تصویب هیئت وزیران و مجلس شورای اسلامی الزامی است؛ ثالثاً، موارد عادی (غیر از دو مورد مذکور) تصویب هیئت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی کافی است.¹

حال با توجه به این محدودیت‌ها به ویژه در مورد اموال دولتی یا عمومی، این بحث مطرح می‌شود که آیا نفت نیز جزء این دسته از اموال بوده و در نتیجه شامل این محدودیت‌ها خواهد شد یا خیر؟² (شیروی، 1394: 642).

در کنوانسیون‌های مربوط به داوری بین‌المللی نیز، حقوق ایران به این محدودیت‌ها توجه ویژه‌ای داشته است. برای نمونه در تصویب کنوانسیون نیویورک و به موجب تبصره بند (2) ماده واحده الحاق ایران به کنوانسیون مزبور، بیان شده است: «رعایت اصل 139 قانون اساسی در خصوص ارجاع به داوری الزامی است». با این حال برخی استدلال می‌کنند اگر شرکت دولتی نفتی شرط داوری را بپذیرد، برابر اصل وفای به عقد، ملزم به ایفای تعهد خواهد بود (هندی، 1386: 84).

1. ماده 457 قانون آیین دادرسی مدنی: «ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری پس از تصویب هیئت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد. در مواردی که طرف دعوا خارجی و یا موضوع دعوا از موضوعاتی باشد که قانون آن را مهم تشخیص داده، تصویب مجلس شورای اسلامی نیز ضروری است».
2. در ابتدای امر لازم است به این مهم توجه شود که منظور از اموال دولتی یا شرکت‌های دولتی، مواردی است که بیش از 50 درصد سهام آن متعلق به دولت است و دارای شخصیت حقوقی مستقل از سهامداران خود است و لذا نمی‌توان گفت تمامی شرکت‌ها و اموال مرتبط با صنعت نفت، دولتی بوده و مشمول این محدودیت‌هاست.

برخی نیز با استناد به ماده 35 قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران (دادن اختیارات برای سازش و تعیین داور در اختلافات و دعاوی شرکت و به‌طورکلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق شرکت لازم باشد، جزء اختیارات هیئت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران است)، بیان داشته‌اند این اختیار هیئت‌مدیره‌های شرکت‌های نفتی است که روی داوری توافق کنند (صابر، 1389: 247). برخی نیز بیان داشته‌اند، این امر خلاف اصل حُسن‌نیت است که در صورت گنجاندن شرط داوری در قرارداد، بعدها به بهانه عدم اجازه از سوی مجلس کشور، آن را نادیده گرفت. در مورد حل این‌گونه اختلاف‌ها امکان دخالت مجالس قانون‌گذاری برای هیچ‌یک از کشورهای عضو وجود ندارد (علیدوستی، 1387: 82). این نظر در جامعه جهانی رایج است، چنانچه در برخی از آرای قضایی (National Iranian Oil Company, 1986) استدلال شده است، نظریه بی‌اعتباری شرط داوری به استناد عدم اهلیت به‌واسطه عدم رعایت اصل 139 قانون اساسی ایران فاقد اعتبار است (امیری معزی، 1388: 55). حتی دیوان‌های داوری نیز مواردی مانند محدودیت‌های اصل 139 یا سایر موارد مشابه مثل اصل عدم تناقض یا قانون استثنای و غیره را رد می‌کنند (Darzi - Naftchali, 2017: 11).

ولی برخی دیگر با پذیرش این محدودیت‌ها بر این باورند که موضوع اصل 139 قانون اساسی، قاعده‌ای از قواعد نظم عمومی اقتصادی کشور است که هدف از آن حفظ اموال عمومی و دولتی و تأمین مصالح مالی ملی است و رعایت نکردن آن موجب عدم نفوذ قرارداد داوری است (سیدی، 1392: 110). برخی نیز با بهره‌گیری از مقررات وکالت بیان داشته‌اند، آنچه در اصل 139 در رابطه با کسب نظر و اجازه مجلس و هیئت دولت آمده است، نیاز به تصریح داشته و انعقاد قرارداد داوری بدون کسب اجازه عملی، خارج از حدود اذن و وکالت بوده و فصولی محسوب می‌شود (جنیدی، 1378: 87).

این نظرات در حالی بیان شده است که در طول تاریخ قراردادهای نفتی، داوری همچنان مورد توجه نگارندگان آن قرار گرفته است، از قرارداد دادرسی¹ گرفته تا بیع متقابل² (شیروی، 1388: 243).

1. فصل هفدهم قرارداد امتیازی دادرسی به موضوع حل و فصل اختلاف‌ها اختصاص دارد. در این امتیازنامه هجده ماده‌ای برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها، شرط رجوع به داوری پیش‌بینی شده بود.

2. در نسل جدید قراردادهای خدمت و به‌ویژه بیع متقابل موضوع داوری مورد توجه قرار گرفته و پیش‌بینی شده است که اول باید موضوع در کمیته مدیریت مشترک نفر مطرح شود و در صورتی که این کمیته نتواند درباره

داوری همواره به عنوان راه حل نهایی حل و فصل اختلافها در نظر گرفته شده است¹ (زارع، 1394: 58). از سوی دیگر، با توجه به پذیرش داوری بین المللی در سطح بین المللی، وجود این محدودیتها چهره ایران را به کشوری دارای منابع نفت خیز اما غیر قابل دسترس مبدل می سازد؛ از این رو باید برای رفع ابهامهای این حوزه چاره ای اندیشیده شود.

البته در نوع جدید قراردادهای خدمت مرسوم به ای پی سی²، چندان به بحث داوری پرداخته نشده است، این در حالی است که در بسیاری از کشورها با تجربه مشابه، موضوع داوری با جدیت بیشتری دنبال شده است. در نسل اول و دوم قرارداد خدمات عملیاتی و نزوئلا، تمامی اختلافهای قراردادی می توانست در داوری خصوصی³ مورد بررسی قرار گیرد. در دوره سوم این قراردادها نیز داوری بین المللی به صورت قطعی و غیر قابل فسخ در شهر نیویورک با قانون حاکم اتاق بازرگانی بین المللی تعیین شده بود (حیدری پور، 1394: 39). البته این امر در قراردادهای جدید خدمت ایرانی پذیرفته شده است که درباره اختلافهایی که ممکن است در کمیته مشترک قرارداد⁴ اتفاق بیافتد و به توافق منجر نشود، داوری و حکمیت به رسمت شناخته شده است؛ در هر حال این امر نیز در این قراردادها جدید با وجود محدودیتها و موانع گفته شده مورد انتقاد قرار گرفته است و این ایده را به ذهن متبادر می سازد که باید راهکارهایی را برای این دودستگی پیشنهاد و ارائه کرد.

در پاسخ به پرسشهای مطرح شده و محدودیتهای داوری در دعاوی نفتی، باید گفت تعمیم ندادن

موضوع مذاکره تصمیمی بگیرد، موضوع به مدیران ارشد طرفین ارجاع می شود تا موضوع را حل و فصل کنند. در صورت عدم توافق مدیران ارشد طرفین، موضوع قابل ارجاع به داوری خواهد بود.

1. حتی گاهی قانون گذار، درج شرط ارجاع اختلافهای ناشی از قرارداد به داوری را الزامی کرده است. نمونه این امر را می توان در برخی قوانین درباره قراردادهای بین المللی مشاهده کرد. مثل ماده 14 «لایحه قانونی مربوط به تفحص و اکتشاف و استخراج نفت در سراسر کشور و فلات قاره» مصوب 1336 و ماده 5 «قانون توسعه صنایع پتروشیمی» مصوب 1344 که در هر دو پیش بینی شده است: «اختلافاتی که بین شرکت ملی نفت ایران (یا شرکت ملی صنایع پتروشیمی) و طرفهای دیگر پیش می آید، چنانچه از طریق مذاکره دوستانه به نحوی که در هر قرارداد پیش بینی خواهد شد، رفع نشود، از طریق سازش و داوری حل خواهد شد».

2. در قراردادهای EPC طراحی و تأمین تجهیزات و اجرای پروژه به پیمانکار سپرده می شود و کلیه مسئولیتهای مدیریت اجرا و کنترل کیفی و کنترل پروژه در این نوع پیمان بر عهده پیمانکار است. البته این قراردادها بیشتر در حوزه پروژههای کلان کاربرد دارد.

3. Private Arbitration

4. Joint Management Committee or JMC

این موضوع به شرکت‌های دولتی با اعمال تصدی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. درست است که اموال دولتی در معنی اعم شامل اموال دولت و اموال حکومتی می‌شود که معمولاً جهت مقاصد تصدی‌گری و حاکمیتی هر دو به کار می‌روند (طباطبایی مؤتمنی، 1383: 272)، اما در معنای خاص خود، صرفاً شامل اموال در راستای انجام امور حاکمیتی می‌شود، ولی در صورتی که اعمال صورت‌گرفته جزء اعمال حاکمیتی نباشد و برای مثال شرکت نفت ملی ایران در حال انجام اعمال تجارتي باشد که از جمله اعمال تصدی‌گری به حساب می‌آید، جزء اموال دولتی و عمومی به معنای خاص نبوده و در نتیجه نیازی به رعایت تشریفات اصل 139 قانون اساسی در ارجاع به داوری، وجود ندارد.

مسئله دیگر مباحث مربوط به ورشکستگی و محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های داوری در این زمینه است. اینکه اگر شرکت نفت ورشکسته شود، بحث تصفیه و امور ورشکستگی وی چه خواهد شد، آیا محدودیت‌های حاکم بر داوری‌پذیری ورشکستگی شرکت‌ها در این زمینه نیز جاری است؟ در این راستا ماده 496 قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «دعای زیر قابل ارجاع به داوری نیست: 1) دعوی ورشکستگی، 2...». حتی به نظر برخی حقوق‌دانان، شرط داوری در اساسنامه شرکت‌های تجاری نسبت به بعضی دعاوی شرکت‌ها با تردید همراه است. این دسته از حقوق‌دانان دعای فسخ، بطلان و به‌طورکلی دعوی انحلال شرکت یا ابطال مصوبات را از این دست می‌دانند. دلایل تردید آن‌ها این است که انحلال شرکت از نظر آثار، همانند ورشکستگی است و به همان جهاتی که در ورشکستگی بیان می‌شود، در مورد سایر جهات انحلال، باید داوری را منع کرد؛ حتی در مورد انحلال شرکت یا ابطال مصوبات، سخن از اعطای فرصت شش‌ماهه است و داور نمی‌تواند با افزودن به مدت داوری، این فرصت را رعایت کند مگر اینکه گفته شود طرفین با پیش‌بینی داوری، لوازم آن را نیز قبول دارند؛ حتی اگر این لازمه، اعطای فرصت شش‌ماهه باشد یا اینکه دعوی ابطال یا انحلال، متوجه تمامیت شخص حقوقی یا یکی از تصمیم‌های عمومی آن است و سبب می‌شود اثر آن، سهامداران و اشخاص ثالث را نیز دربرگیرد و معلوم است که شرط داوری، تنها در روابط طرفین اختلاف مؤثر است و سایرین نباید از آن متأثر شوند (حبیبی درگاه، 1396: 84). با اینکه دلایل مذکور قابل‌مناقشه‌اند و ممکن است مانع داوری نباشد، اما قرابت بسیار آن با ورشکستگی را نباید نادیده گرفت. همچنین اصل 139 قانون اساسی و ماده 457 قانون آیین دادرسی مدنی محدودیت‌هایی را در ارجاع به داوری در این زمینه در نظر گرفته‌اند.

گفته شده شرایط خاص ورشکستگی و دعاوی که ممکن است در جریان رسیدگی به دعاوی توقف مطرح شوند، آیین داوری و اصول حاکم آن، حضور مدعی العموم در فرایند تصفیه، نبود امکانات لازم و از همه مهم تر ملاحظه های قانون گذار در زمینه حفظ نظم عمومی اقتصادی از جمله علی هستند که موجب شده اند تا از سال 1308 با تصویب قانون حکمیت تا به امروز، ارجاع دعوی توقف و بالطبع دعاوی مرتبط با آن به داوری از سوی قانون گذار ممنوع اعلام شود. با دقت در محدودیت های شمرده شده در زمینه ارجاع دعوی ورشکستگی به داوری می توان گفت نظم عمومی مهم ترین حوزه ممنوعیت ارجاع است. نظم عمومی از اصول طبیعی حاکم بر جامعه است و برابر و هماهنگ با زندگی روزمره مردم در جامعه وجود دارد. اعمال این محدودیت ها به طور خاص در جهت حفظ نظم عمومی اقتصادی است و برای حفظ همین نظم، قانون گذار قوانینی همچون ممنوعیت ارجاع ورشکستگی به داوری، تعیین ارزش پول، تثبیت نرخ بهره، ورود و خروج ارز و دیگر قوانین از این دست را تصویب کرده است؛ از این رو اشخاص نمی توانند به وسیله قراردادهای خصوصی نظم مالی و اقتصادی دولت را بر هم بزنند (کاتوزیان، 1389: 179)؛ حال آنکه این امر مخالف مقررات بیشتر کشورهای دنیاست.

در حقوق سایر کشورها، انعطاف پذیری های زیادی در این زمینه مشاهده می شود. برای مثال در کشور امریکا دادگاهی در ایالت آلاباما برگزار شد و در جریان رسیدگی به دعوی ورشکستگی، توافقات قراردادی را که ضمن آن، ارجاع اختلاف به داوری شرط شده بود، محترم و قابل اجرا شمرد. بدین صورت که اگر توافقات قراردادی بین تاجر ورشکسته و طرف او ناقض اصول آمرانه قانون ورشکستگی نباشد این امکان وجود دارد که این تعهدات همان طور که طرفین توافق کرده اند توسط داوری مورد رسیدگی قرار گیرد (National Arbitration Forum.htm).

8. راهکارهای بهینه سازی نهاد داوری بین المللی

با وجود موانع پیش روی داوری نفتی، لازم است به پیشنهادهایی برای برون رفت از این محدودیت ها توجه کنیم که شامل اصلاح مقررات موجود و تبیین برخی مقررات و نهادهای جدید در این حوزه خواهد بود.

8-1. تعیین موافقت‌نامه‌های داوری نفتی

توافق‌نامه داوری: «به معنی قراردادی است که اختلافات (قراردادی یا غیر قراردادی) حال یا آتی را به داوری ارجاع می‌دهد. در واقع، ارجاع در قرارداد به سندی که متضمن شرط داوری است، موافقت‌نامه داوری را تشکیل می‌دهد؛ مشروط بر اینکه قرارداد مزبور کتبی بوده و ارجاع نیز به نحوی باشد که آن شرط را جزئی از قرارداد بنماید»¹. منظور از موافقت‌نامه داوری نفتی، ایجاد سندی با همان محتوای اصول حاکم بر داوری در حوزه نفت است. براساس این نظریه، ایجاد سندی در زمینه موافقت‌نامه‌های داوری تخصصی در حوزه نفت پیشنهاد می‌شود که تمامی قواعد و اصول حاکم بر این عرصه را بدون شبهه و ابهام مطرح کند. در این صورت بدون هیچ تردیدی نه تنها این امر از صلاحیت دادگاه‌ها خارج می‌شود، بلکه با تصویب و تأیید این امر، شبهه اعمال یا عدم اعمال قانون اساسی در این زمینه نیز برطرف خواهد شد.

8-2. اصلاح اصل 139 قانون اساسی

حفظ منافع عمومی و ملی ایجاب می‌کند رسیدگی غیرمعمول و تعیین تکلیف برای آن به‌ویژه در شرایطی که یک طرف آن خارجی است، تحت تشریفات و گذر از شرایط خاصی باشد که در این اصل از قانون اساسی، این تشریفات نظارت به نظر مجلس و هیئت دولت است. نفت نیز چه از منظر خارجی و چه از منظر داخلی، کالایی غیرعادی انگاشته می‌شود که آن را در کنار سایر موارد قرار نمی‌دهند. از نظر داخلی نیز ماده 2 قانون اصلاح قانون نفت 1390 بیان می‌دارد: «کلیه منابع نفتی جزء انفال و ثروت‌های عمومی است. اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع مذکور به نمایندگی از طرف حکومت اسلامی بر عهده وزارت نفت است»؛ بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که در مورد دعاوی مربوط به نفت، رعایت اصل 139 الزامی است و هرگونه عملی برخلاف آن از نظر قانونی و حقوقی نامعتبر است.

1. English Arbitration Act 1996: Section 6: "Definition of arbitration agreement: (1) In this Part an "arbitration agreement" means an agreement to submit to arbitration present or future disputes whether they are contractual or not. (2) The reference in an agreement to a written form of arbitration clause or to a document containing an arbitration clause constitutes an arbitration agreement if the reference is such as to make that clause part of the agreement".

بنابراین با فرض پذیرش این مورد و در نتیجه امکان اعمال محدودیت‌های اصل 139 در حوزه نفت، این پرسش مطرح می‌شود که حتی با وجود قبول این عقیده در حقوق داخلی، آیا در جامعه بین‌المللی نیز این امر به رسمیت شناخته می‌شود؟ درست است که قابلیت ارجاع دعاوی به داوری از مباحثی است که ریشه در نظم عمومی دارد و بیشتر کشورها برخی دعاوی را غیرقابل ارجاع به داوری یا با تشریفات خاصی جهت داوری دانسته‌اند (شهبازی‌نیا، 1394: 113)، ولی به هر بهانه و با توسل به قوانین داخلی نمی‌توان از داوری دعاوی طفره رفت. ازسوی دیگر، استفاده گسترده و بهره‌برداری از این قاعده در جامعه جهانی موجبات بی‌اعتباری کشور را فراهم می‌سازد؛ ازاین‌رو اصلاح اصل مذکور و محدودکردن آن به موارد حاکمیتی و تفکیک بین ارجاع اختلاف‌های اموال عمومی و دولتی از اختلاف‌های ناشی از قراردادهای نفتی، باید مورد توجه مسئولان این حوزه قرار گیرد.

همچنین می‌توان این استدلال را مطرح کرد که در قرارداد خدمات به‌ویژه در نوع جدید آن که در حقوق ایران در حال شکل‌گیری است، انتقال مالکیت به خارجی صورت نمی‌گیرد؛ بنابراین اختلاف‌های این نوع قراردادها نیز در حیطه و محدوده اصل 139 نیست که نیازمند رفع محدودیت‌های آن باشیم.

3-8. گسترش نهاد داوری مستقل در حوزه نفت

یکی دیگر از راهکارها در این زمینه، ایجاد نهاد مستقل داوری و نظارتی در قراردادهای صنعت نفت است. در داوری نهادی، طرفین روی داوری یک نهاد یا سازمان موجود توافق می‌کنند و اجرای مقررات آن نهاد را می‌پذیرند. این نوع داوری هنگامی صدق می‌کند که طرفین از پیش، صلاحیت کم‌وبیش کامل مقررات یک سازمان را پذیرفته باشند. یکی از بارزترین چهره‌های داوری بازرگانی بین‌المللی نهادینه‌شدن آن است. امروزه نهادها و سازمان‌های متعددی در سطح ملی یا بین‌المللی وجود دارند که به داوری در اختلاف‌های مربوط به تجارت بین‌المللی می‌پردازند و آنچه در حیطه قراردادهای نفتی نیز در این زمینه حائز اهمیت است، وجود نهاد داوری مستقل در این حوزه است، زیرا وجود نهاد داوری مستقل برای حل اختلافات قراردادی صنعت نفت، به تسهیل فرایند حل اختلاف، افزایش سرعت و دقت این فرایند و کاهش هزینه‌های ناشی از حل اختلاف‌ها کمک می‌کند؛ چراکه معمولاً پیمانکاران تمایل دارند اختلاف‌های قراردادی خارج از دادگاه حل شود؛ زیرا به‌طور طبیعی آیین دادرسی دادگاه، فرایند رسیدگی به حل اختلاف‌ها را زمان‌بر می‌کند. در چنین

شرایطی، ایجاد نهاد داوری مستقل می‌تواند به تسهیل فرایند حل اختلاف یاری برساند. همچنین اتاق‌های بازرگانی در بسیاری از کشورهای دنیا، با توجه به بی‌طرف بودن، مسئولیت حل اختلاف‌های قراردادی پیش‌آمده در بخش‌های مختلف اقتصادی را بر عهده دارند و می‌توان از این ظرفیت در ایران نیز استفاده کرد. در صورت نبود امکان دسترسی به نهاد داوری مستقل می‌توان با رایزنی با قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی، ایجاد مرجع تخصصی رسیدگی به حل اختلاف‌های قراردادی را در دادگاه‌های کشور خواستار شد؛ بنابراین حقوق ایران باید رویه داوری‌های خود را از داوری‌های موردی به مقررات متحدالشکل و داوری‌های نهادی تغییر دهد. داوری موردی اعم از انفرادی یا گروهی و هیئتی، داوری است که به‌عنوان یک نهاد تنها برای رسیدگی به موضوع یا اختلافی تشکیل می‌شود و پس از اینکه داوری انجام گرفت و رأی صادر شد، مأموریت داوری خاتمه یافته و نهاد داوری منتهی می‌شود. در این نوع داوری، جریان داوری را مستقیم خود داوران برگزار می‌کنند، اما هرگاه برای اداره جریان یا تشکیل دیوان داوری به مشکلاتی برخورد کردند، طرفین برای برطرف کردن آن مشکل باید به محاکم دادگستری مراجعه کنند، درحالی‌که در داوری سازمانی این دست مشکلات را سازمان برطرف می‌کند.

علاوه‌براین حقوق‌دانان برای داوری سازمانی در برابر داوری موردی مزایایی را برشمرده‌اند از جمله اینکه چون در داوری سازمانی اصولاً سازمان داوری طبق مقررات داوری همان سازمان به اختلاف رسیدگی می‌کند، به سازمان‌دهی داوری کمک کارشناسانه می‌شود، زیرا در داوری سازمانی نیز قرارداد طرفین اولویت دارد و آیین داوری سازمان، داوری مکمل توافق طرفین است؛ لذا داوری سازمانی انجام فعالیت‌هایی است که در داوری موردی و در غیاب سازمان داوری، اصحاب دعوا ناچارند یا با تشریک مساعی و احیاناً صرف وقت زیاد و بدون کارشناسی، خود به آن بپردازند - که به دلیل وجود اختلاف، امکان تشریک مساعی کم است - و یا برای حل آن به دادگاه رجوع کنند¹ (نصیری، 1375: 141).

از آنجاکه مقررات داوری قانون آیین دادرسی مدنی و قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران ضوابطی برای تنظیم جریان داوری دارند که می‌تواند در مدیریت داوری سازمانی هم به کار آید، ایجاد نهادی در این حوزه به‌طور تخصصی می‌تواند بسیار مثمر ثمر واقع شود.

1. البته باید توجه کنیم که داوری سازمانی را با داوری سازمان‌یافته اشتباه نکنیم. داوری سازمان‌یافته - نامی که ما برای آن انتخاب کرده‌ایم - نوعی از داوری موردی است که به‌صورت منظم و در سطحی گسترده انجام می‌شود.

8-4. الحاق ایران به کنوانسیون ایکسید

دولت جمهوری اسلامی ایران طی دو دهه اخیر در راستای ایجاد فضای مطلوب برای جذب سرمایه‌های خارجی در کنار تمهیدات حمایتی و تضمینی متعدد، سازوکار رجوع به داوری بین‌المللی در صورت بروز اختلاف بین سرمایه‌گذاری خارجی و دولت ایران را پذیرفته است و در بیش از نیمی از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری لازم‌الاجرا شده، مراجعه به داوری ایکسید را نیز به شرط عضویت دولت ایران و دولت متبوع سرمایه‌گذار خارجی در آن کنوانسیون، پیش‌بینی کرده است. گنجاندن این گزینه در کنار سایر نهادها و روش‌های داوری پیش‌بینی شده در معاهدات سرمایه‌گذاری این احتمال را به ذهن متبادر می‌سازد که قانون‌گذار الحاق کشورمان به این کنوانسیون در آینده را مدنظر قرار داده و با چنین رویکردی به تصویب این معاهدات در مجلس شورای اسلامی رأی داده است؛ بنابراین با توجه به درخواست‌هایی که با مراجعه بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی در دوره پساتحریم مطرح خواهد شد، احتمالاً این موضوع در کانون توجه قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر به نظر می‌رسد ایران به دلیل پذیرش کنوانسیون 1958 م. نیویورک ناگزیر به شناسایی احکام صادر شده از سوی دیوان داوری مرکز باشد.

برخی بر این باورند که با توجه به ماده 70 و بند «د» ماده 75 کنوانسیون ایکسید، ایران می‌تواند آن کنوانسیون را بپذیرد، ولی موارد خاص مورد نظر خود را از صلاحیت دیوان داوری آن استثنا کند؛ یعنی استفاده از «حق شرط». همچنین طبق ماده 71 هر دولتی می‌تواند به صورت آزمایشی کنوانسیون را بپذیرد و در صورت پیدایش عوارض و پیامدهای منفی آن بر سرمایه‌گذاری خارجی در کشورش، به عضویت خود خاتمه دهد. به علاوه، بند 1 ماده 25 تنها دعاوی حقوقی و از میان آن‌ها فقط دعاوی را که مستقیم ناشی از سرمایه‌گذاری است، در صلاحیت دیوان داوری قرار می‌دهد (جلالی، 1383: 69). به نظر می‌رسد با توجه به احتیاج مبرم جامعه ایرانی به سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه نفت و گاز و پذیرش حجم عظیمی از دعاوی بین دولت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی (سلطان‌زاده، 1395: 2) توسط این نهاد که آن را به پیشروترین سازمان در حل و فصل این دسته از اختلاف‌ها مبدل کرده است، پذیرش آن در کنار اصلاح مقررات قانون اساسی (به منظور رفع هر نوع تناقض و تعارضی میان آن‌ها) از ضرورت‌های این حوزه است.

5-8. پیش‌بینی ارجاع دعاوی ورشکستگی شرکت‌های نفتی به نهاد داوری

با اینکه در برخی کشورهای محدود همچنان ورشکستگی بیشتر از آنکه تحت حاکمیت اراده و رضایت طرفین باشند، تحت نظر دادگاه و در کنترل قاضی است (Levy, 2011: 103) و حتی قاعده کلی این است که در زمینه تعارض بین این دو، منافع کلی ناشی از ورشکستگی حاکم است و مقررات کشورها (به‌عنوان مثال، لهستان و اسپانیا)، داوری را بی‌اعتبار می‌دانند (Sachs, 2013: 7)، ولی این امر پذیرفته شده است که دعاوی ورشکستگی قابلیت ارجاع به داوری دارد.

برخی نیز قائل به تفکیک در این حوزه شده‌اند. در آلمان رویه کلی این است که موضوعات خالص و ناب ورشکستگی (برای مثال نصب امین و قبول دعاوی طلبکاران) قابل ارجاع به داوری نیست، درحالی‌که سایر موارد قابل ارجاع به داوری است. براساس رأی از ICC (به شماره 6697-1997) نیز تنها مسائلی از داوری مستثنی می‌شوند که ارتباط مستقیمی¹ با ورشکستگی داشته باشند.

یکی دیگر از رویه‌ها این است که با وجود ورشکستگی یکی از طرفین دعوا، در صورت وجود شرط داوری در قرارداد، دیوان داوری باید به رسیدگی ادامه دهد؛ البته این به معنای نادیده‌گرفتن مقررات خاص ورشکستگی نیست، بلکه با وجود احترام به سیاست‌های عمومی جاری بر ورشکستگی، براساس قاعده وفای به عهد² داوری بر ورشکستگی حاکم می‌شود (Nadeau-S guin, 2011: 85)، اما به نظر می‌رسد با توجه به اینکه شرکت‌ها و افراد درگیر، بیشتر محرمانه‌بودن رسیدگی داوری را بر دادرسی علنی ترجیح می‌دهند (Ware, 2011: 456)، باید موارد غیرقابل ارجاع به داوری، در دعاوی ورشکستگی محدود شود.

به نظر می‌رسد همگام با جامعه جهانی، حقوق ایران نیز نیازمند تغییر نگرش خود در این حوزه است، چراکه امروزه جامعه، جامعه بازرگانی است که اصل اول در آن تخصص و سرعت است. نهادهای حقوقی و دادرسی مرتبط با بازرگانی نیز باید دارای ویژگی‌هایی باشند که از اطلاع امور بازرگانان و تجار ورشکسته جلوگیری کنند. به نظر می‌رسد بتوان با بررسی طریقه دادرسی به صورت حکومتی یا خصوصی، دعوی توقف را نیز به داوری ارجاع داد. البته امکان چنین تغییری نیازمند تغییر نگرش قانون‌گذار و ایجاد بسترهای لازم و تحول قوانین است. با توجه به تحولات دنیای معاصر و با نیم‌نگاهی به آینده، این تغییرات اجتناب‌ناپذیر است. با تغییر شیوه‌های سنتی بازرگانی به

1. Direct Link

2. Pacta Sunt Servanda

شیوه‌های نوین، قانون‌گذار باید برای آینده برنامه‌ریزی‌های لازم را در نظر بگیرد. تغییر بی‌تدبیرانه قوانین، ایجاد و حذف نهادهای دادرسی، تصویب قانون به‌صورت آزمون و خطا و بدون کارشناسی لازم، اعتماد جامعه را به سیستم قضا سلب می‌کند. در این میان نهادهای خصوصی با ایجاد بسترهای قانونی می‌توانند به‌خوبی نقش ایفا کنند که داوری یکی از این موارد به شمار می‌رود.

گفتنی است دعوی ورشکستگی برخلاف سایر دعاوی از مکانیزم پیچیده‌ای برخوردار است. انجام امور شکلی برای حفظ حقوق بستانکاران، به‌قدری در این دعوی اهمیت یافته است که مقنن برای اجرای صحیح این امور در شهرها اقدام به تأسیس اداره تصفیه امور ورشکستگی کرده است. این سازمان انجام امور شکلی توقف را بر عهده دارد و تحت نظارت محکمه اقدام به تصفیه دیون می‌کند. با در نظر گرفتن این واقعیت که امروزه تصفیه دین ورشکسته نیازمند خدمه و کارگزارانی متخصص است که در کنار دادرس به انجام امور شکلی بپردازند، ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که با جایگزین‌شدن داور به جای دادرس نیز، همچنان استفاده از کارگزاران در کنار داور اجتناب‌ناپذیر است.

8-6. فرصت‌های پیش رو در چهارچوب الگوی اسلامی ایرانی

1. وجود بخش خصوصی فعال در حوزه اقتصاد؛ با توجه به این واقعیت که در شرایط کنونی اقتصاد جهانی، بخش خصوصی در توسعه کشورها دارای نقش بسیار حائز اهمیتی است، در جمهوری اسلامی ایران نیز، با اجرای اصل 44 قانون اساسی، زمینه برای فعالیت بخش خصوصی فراهم شده است. حضور قدرتمند بخش خصوصی نیز به نوبه خود منجر به ایجاد زمینه‌های لازم برای پیشرفت اقتصادی کشور تا به امروز شده و در آینده‌ای نزدیک با اجرای همه‌جانبه اصل 44 قانون اساسی می‌تواند پیش‌ران مهمی در عرصه پیشرفت به شمار آید.

2. توان صادراتی کشور و بازارهای منطقه‌ای: یکی دیگر از عوامل فرصت‌ساز در اقتصاد کشور افزایش توان صادراتی کشور در بخش تولید و خدمات مهندسی است که بسترهای لازم را برای پیشرفت در حوزه اقتصاد کشور فراهم می‌کند. عامل بسیار مهم دیگری که در افزایش توان صادراتی کشور نقش دارد، وجود بازارهای نفتی گسترده در منطقه (شامل کشورهای عربی، کشورهای آسیای میانه و غیره) و سطح بین‌المللی به‌ویژه در اروپاست.

3. نیروی انسانی متخصص و باتجربه: با توجه به رشد علمی کشور و همچنین پیگیری سیاست

خودکفایی و استقلال اقتصادی کشور، شاهد رشد توان علمی و فنی متخصصان و فعالان حوزه انرژی کشور هستیم که موجب ارتقای کمی و کیفی محصولات تولیدی ناشی از نفت و گاز در کشور شده و روند روبه‌رشد توسعه اقتصادی کشور در سطح بین‌الملل را تقویت کرده است.

4. افزایش تقاضای جهانی انرژی: نیاز اقتصاد جهانی به انرژی سبب شده تا دولت‌های قدرتمند و صنعتی برای حفظ رشد اقتصادی خود به تأمین انرژی مطمئن روی آورند. رویکردهای آینده‌پژوهانه از نیاز دوبرابری به انرژی تا سال 2030 خبر می‌دهند. اتحادیه اروپا، چین، هند و غیره نیاز شدیدی به بازار انرژی ایران در آینده پیدا خواهند کرد. با توجه به تأثیر قابل‌توجه بازار بزرگ انرژی در سایر حوزه‌های پیشرفت و توسعه کشور می‌توان به ایجاد فرصت‌های متعدد این حوزه در آینده امیدوار بود. برای مثال، طرح تأسیس اوپک گازی در چند سال اخیر که مقام معظم رهبری نیز بر آن تأکید کردند، می‌تواند یکی از زمینه‌های بالندگی بیشتر توسعه و پیشرفت کشور به‌عنوان الگوی اسلامی ایرانی در منطقه باشد (<http://www.rajanews.com/detail.asp>).

9. نتیجه‌گیری

الگوی اسلامی ایرانی موفق خود نیازمند بهره‌گیری هرچه بیشتر و تقویت فرصت‌های پیش رو در دو بُعد منطقه‌ای و بین‌المللی است. با توجه به محدودیت‌های ساختار مادی و هنجاری نظام بین‌الملل و چالش‌های سطح منطقه و همچنین وجود فرصت‌هایی که نیازمند بهره‌وری بیشتر است، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری که قصد ارائه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در سطح منطقه و جهان را دارد لازم است به این موارد توجه کند:

1. حضور فعال در مجامع و نهادهای بین‌المللی و اعتمادسازی جهانی با هدف شناساندن روحیه صلح‌طلبی و انسان‌دوستی نظام اسلامی به دنیا؛
2. گسترش همکاری‌های منطقه‌ای به‌ویژه توسعه بازارهای اقتصادی منطقه که حتی‌الامکان می‌تواند تبلیغات غیرواقعی و منفی غرب از جمهوری اسلامی را خنثی کند؛
3. استفاده از مجاری غیررسمی دیپلماسی فرهنگی با توجه به سابقه دیرینه فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی می‌تواند تأثیرات قابل‌توجهی در رسیدن نظام جمهوری اسلامی ایران به جایگاه حقیقی خود در منطقه، دنیای اسلام و سطح بین‌الملل داشته باشد.

از این رو و با توجه به شیوه برخورد سیستم قضایی کشور که به دنبال توسعه عدالت و بهره‌مندی از تمام امکانات جامعه به منظور توزیع عدالت اجتماعی و پیشرفت جامعه است، می‌توان برای دریافت دانش‌های نوین حوزه قضایی که خود موجب گسترش و الگوبرداری سایر نظام‌های بین‌المللی از پلان سند الگوی اسلامی موفق در حوزه قضایی و روش نوین حل اختلاف به وسیله داوری در دعاوی نفت و گاز که خود موجب چهره بین‌المللی بلامنازع ایران اسلامی می‌شود، بهره جست. اگرچه سیستم حقوقی کشور ما به دلیل اهمیت این حوزه و منابع موجود و قاعده «وَلَكِنْ يَجْعَلُ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» در برقراری عدالت اجتماعی در حوزه داوری اختلافات نفت و گاز به صورت محتاطانه برخورد می‌کند، ولی در واقع سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با مبنا قراردادن این قاعده به دنبال حفظ منافع جامعه و برقراری عدالت اجتماعی و جلوگیری از تضییع حقوق ایران اسلامی است.

از سوی دیگر با توجه به اهمیتی که داوری در دنیای امروز دارد و به منظور تثبیت جایگاه داوری بین‌المللی در کشورمان و در راستای حفظ منافع ملی در چهارچوب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، خاتمه‌دادن به تشتت آرا در زمینه تفسیر و اعمال اصل 139 قانون اساسی جمهوری اسلامی، ضرورت دارد برای اصلاح این اصل یا ارائه نظریه تفسیری از سوی شورای نگهبان، تدابیر جدی اندیشیده شود. مسئله دیگر توجه جدی به رفع محدودیت‌های آیین دادرسی مدنی در زمینه وضعیت ورشکستگی و داوری‌پذیری آن است. از سوی دیگر، به طرفین قراردادهای تجاری بین‌المللی توصیه جدی می‌شود که در قراردادهای خود، مرجع حل اختلاف آتی به‌ویژه نهاد داوری خاص را به صراحت تعیین کنند و با توجه به آیین دادرسی خاص داوری دعاوی نفتی که لازم است در زمینه تصویب آن از سوی مجلس شورای اسلامی تمهیداتی اتخاذ شود، به حل و فصل اختلافات بپردازند.

به نظر می‌رسد در ساختار کنونی شروط داوری قراردادهای بین‌المللی، با توجه به بین‌المللی بودن رویه‌های حاکم بر صنعت نفت و همسویی قوانین ایران با برخی جهت‌گیری‌های جهانی به‌ویژه با تصویب قانون داوری تجارت بین‌الملل در 1376/6/26 و پیروی قانون‌گذار از مقررات آنسیترال، تبیین ساختار این شروط براساس مقررات متحدالشکل و ارجاع حل و فصل اختلاف‌ها به مراجع بین‌المللی داوری نهادی، امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. به علاوه به نظر می‌رسد در ارجاع اختلاف‌های ناشی از قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز، داوری نهادی به‌عنوان شیوه غالب و

ضابطه‌مند و با بهره‌گیری از تکنیک‌های حقوقی و تجربه‌های داوری می‌تواند بسیار مثمرتر از داوری موردی در زمینه حفظ منافع ملی در چهارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باشد. در نهایت اینکه «در چشم‌انداز بیست‌ساله، ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل. جامعه ایران در افق این چشم‌انداز، چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت: توسعه‌یافته؛ متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی». در نتیجه همراهی، لازم و ملزومی و مکمل بودن، پیشرفت (دوساحتی مادی و معنوی یا توسعه و تعالی) نه تنها مشخص بوده، بلکه شاخص است.



فهرست منابع

- امیری معزی، احمد، (1388)، *داوری بین‌المللی در دعاوی بازرگانی*، تهران: دادگستر، چاپ دوم.
- ایران‌شاهی، علیرضا (1391)، «معیار قابلیت داوری در اعمال نظارت قضایی بر رأی داوری تجاری بین‌المللی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره 85.
- ایزدی‌فرد، علی‌اکبر، حسین‌نژاد، مجتبی (1396)، «فقه الکترونیک در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، شماره نهم.
- آریان‌کیا، رضا (1388)، «شرط داوری در مسیر تحولات حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز»، *مجله مرکز امور حقوقی بین‌الملل ریاست جمهوری*، شماره 41.
- جلالی، محمود (1383)، «حل و فصل دعاوی سرمایه‌گذاری از طریق داوری ایکسید و ضرورت الحاق ایران»، *مجله الهیات و حقوق*، شماره 13.
- جنیدی، لعیا، (1388)، *نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین‌المللی*، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- حیبی درگاه، بهنام، صوفی (1396)، «مبثاق، بررسی درج شرط داوری در اساسنامه شرکت‌های تجاری»، *دانشنامه حقوق و مالیه*، سال اول، شماره اول.
- حیدری‌پور، احسان؛ باقری، صباح (1394)، «بررسی قراردادهای خدماتی نفت و گاز»، *ماهنامه علمی - ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز*، شماره 127.
- ریسی، سعید (1392)، *شیوه‌های حقوقی حل و فصل اختلافات بین دولت‌ها و شرکت‌های خارجی در استخراج نفت*، مؤسسه آموزش عالی غیردولتی - غیر انتفاعی - دانشگاه علامه محدث نوری - پژوهشکده امور اقتصادی.
- سرخه‌دهی، فاطمه (1396)، «وابستگی به مسیر در ایران؛ حقوق مالکیت ناکارا و وابستگی به نفت»، *ششمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*.
- سروی‌مقدم، مصطفی (1389)، «مقایسه جایگاه دادگاه و داوری در حل اختلاف تجاری بین‌المللی»، *مجله آموزه‌های حقوق کیفری*، شماره 13.
- سلطان‌زاده، سجاد، (1395)، *ساختار و رویه داوری مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری (ایکسید)*، تهران: خرسندی.
- سیدی، جواد، (1392)، *درآمدی بر قابلیت ارجاع در داوری‌های تجاری بین‌المللی*، چاپ اول، تهران: جنگل جاودانه.
- شمس، عبدالله، (1384)، *آیین دادرسی مدنی*، جلد سوم، تهران: دراک.
- شهبازی‌نیا، مرتضی؛ بازگیر، سعید (1394)، «نظم عمومی و نقش آن در امور شکلی داوری»، *تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، شماره 23.
- شیروی، عبدالحسین (1378)، «تنظیم قرارداد داوری با توجه به قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران 1378»،

مجتمع آموزشی عالی قم، شماره 3.
 شیروی، عبدالحسین، (1394)، حقوق نفت و گاز، تهران: میزان.
 صابر، محمدرضا، (1389)، بیع متقابل در بخش بالادستی نفت و گاز، چاپ اول، تهران: دادگستر.
 طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، (1383)، حقوق اداری، تهران: سمت.
 علیدوستی، ناصر (1387)، «ظرفیت‌های اصل 139 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره 39.
 قادری، عبدالواحد؛ محمدی، علی، (1394)، بررسی اصول و قواعد حقوقی حاکم بر قراردادهای نفتی ایران، تهران: کتاب آوا.
 کاتوزیان، ناصر، (1389)، قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، نشر شرکت سهامی انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا. مبصر، داریوش (1381)، موج دوم، تهران: کویر.
 مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) (1389)، سی‌دی حدیث ولایت، مؤسسه حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.
 ملکی جهان، مطهره؛ دلیرگوگانی، فاطمه (1396)، «تحول حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز و نقش شرط داوری در آن»، اولین همایش بین‌المللی پژوهش و پیشرفت در علوم زمین.
 هندی، اصغر (1386)، «بررسی تسری شروط اصل 139 قانون اساسی به اموال شرکت‌های دولتی»، مجله حقوقی دادگستری، شماره 61.

وبسایت: <http://www.rajanews.com/detail.asp>.

- Bentham, Jeremy (1789), *An Introduction to the Principles of Morals and Legislation* London: T. Payne, retrieved, 2012-12-05.
 Core bankruptcy proceeding dispute are arbitrable p. 1 (National Arbitration Forum.htm).
 Darzi- Naftchali, Ali, Soltanzadeh, Sajad, (2017), "Article 139 of Iranian Constitution and Foreign Investment Disputes Settlement", *Journal of Poverty, Investment and Development, An International Peer-reviewed Journal*, Vol. 32.
 Elf_aquitaine: Ad Hoc-Award of January 14, 1982, Elf Aquitaine Iran (France) v. (National Iranian Oil Company, 1986) YCA 1986, at 97, 102 et seq.
 Fernando Mantilla-Serrano, (1995), *International Arbitration and Insolvency Proceedings*, 11: 1 Arblnt 151, 63.
 Levy, Laurent, (2011), *Arbitration and Bankruptcy: Bankruptcy of Arbitration*, 5 Disp. Resol. Int'l 103.
 Martin, A, Timothy, (2011), "Dispute resolution in the international energy sector: an overview", *Journal of World Energy Law and Business*, Vol. 4, No. 4.
 Nadeau-S Guin, Sara, (2011), When Bankruptcy and Arbitration Meet: A Look at Recent ICC Practicep, *Dispute Resolution International*, Vol. 5.
 Omorogbe, Yinka, (1997), "The Oil and Gaz Industry", *Exploration and Production Contract*, Malthouse Press.
 Rovine, Arthur, (2013), *Contemporary Issues in International Arbitration and Mediation The Fordham Papers*, Martinus Nijhoff Publishers.
 Sachs, Klaus, (2013), *Course of Insolvency Proceeding and International Arbitration, Collected Courses of the International Academy for Arbitration Law*, Vol. 1.
 Slomanson, William (2011), *Fundamental Perspectives on International Law*, Boston, USA: Wadsworth.
 Ware, Stephen J., (2011), "Similarities between Arbitration and Bankruptcy Litigation", *Nevada Law Journal*, Vol. 11, 11: Iss.

رنگبومی

رسد

پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پتال جامع علوم انسانی

ایر